

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش
شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۲، ویژه علوم سیاسی

نگاه جنبش‌های اسلامی دهه اخیر مصر به اسلام و مدرنیته

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۱۳

راضیه قاسمی*

چکیده

موضوع این مقاله، «نگاه جنبش‌های اسلامی دهه اخیر مصر به اسلام و مدرنیته» است. در واقع، جنبش‌های سیاسی اسلامی در مصر، از زمان ورود غرب به دنیای اسلام شکل گرفته است. ثمره تلاش‌های افرادی، مانند سیدجمال اسدآبادی پرورش اندیشمندان اسلام‌گرا در مصر بود. تلاش جنبش‌های پیشرو اسلامی در مصر، همچون اخوان المسلمین و غیره برای شناخت اسلام و مقابله با غرب و مدرنیته سیاسی در آراء و اندیشه‌هایشان نمود پیدا کرده است. در سال‌های اخیر نیز این جریان‌ها میدان عمل را در اختیار داشته و توانستند افکار و آراء خود را به محک آزمایش بیاورند. این مقاله درصدد است تا با نگاهی به اندیشه‌های احزاب و جریان‌های سیاسی مصر، کارنامه اسلام‌گرایی در مصر را روشن‌تر کند. بر این اساس، با به کارگیری روش پرسش‌های بنیادین گلن تیندر، اصلی‌ترین گزاره‌های سیاسی مدرنیته، استخراج و به طور مستند نگاه سلبی یا ایجابی احزاب و جنبش‌های مصر به آن گزاره‌ها مشخص شده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام سیاسی، مدرنیته سیاسی، جنبش اسلامی، اخوان المسلمین.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تاریخچه مختصر مصر

مصر یکی از کهن‌ترین و با پیشینه‌ترین کشورهای جهان است که تمدن آن به شش هزار سال پیش می‌رسد و از سال ۱۹۳۶ استقلال آن به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۵۲ با کودتای افسران جوان ارتش، رژیم جمهوری در آن برقرار شد. در سال ۱۹۵۶ جمال عبدالناصر، رهبری این کشور را بر عهده گرفت. از جمله مهم‌ترین رویدادهای دوران ناصر، ملی شدن کانال سوئز و جنگ ۱۹۶۷ با اسرائیل بود که به علت همکاری نزدیک غرب، به خصوص آمریکا با اسرائیل، منجر به شکست اعراب شد و همین امر منجر به نزدیکی مصر با شوروی و دوری از دنیای غرب شد. به دنبال مرگ ناگهانی ناصر در سال ۱۹۷۰، انور سادات به ریاست جمهوری رسید و صلح یک‌جانبه مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۸ در کمپ دیوید توسط او امضا شد و موجودیت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته شد. پس از ترور سادات توسط خالد اسلامبولی در سال ۱۹۸۱، حسنی مبارک، جانشین وی شد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۴۱). با وقوع انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، دولت مبارک سرنگون و در پی برگزاری انتخابات، محمد مرسی به ریاست جمهوری رسید که او نیز با کوتای ارتش، دولت را به نظامیان واگذار کرد.

احزاب و گروه‌های سیاسی

احزاب اسلام‌گرا

۱. اخوان المسلمین

این گروه در شهر اسماعیلیه مصر با تلاش حسن البنا در سال ۱۹۲۸ پایه‌گذاری شد. ارگان رسمی آن ماهنامه الدعوه و رهبری فعلی آن محمد بدیع است. اخوان المسلمین، از آغاز تاکنون، در کلیت خود یک جریان محافظه کار و در عین حال اصلاح طلب بوده و قطب‌ها و طیف‌های گوناگون جامعه خود را در درون جای داده است که شامل مسلمان‌های دموکرات و لیبرال نیز می‌گردد (همان، ص ۴۹).

۲. حزب عدالت و آزادی

تنها چند روز پس از سرنگونی رژیم حسنی مبارک، محمد بدیع، رهبر جماعت اخوان المسلمین تاسیس این حزب را به عنوان بازوی سیاسی این جماعت اعلام و تاکید کرد، باوجودی که دارای گرایش‌های اسلامی است، اما در آن به روی همه مصری‌ها از جمله مسیحیان باز است. پس از آن محمد مرسی به عنوان رئیس حزب برگزیده شد. این حزب موفق شد در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ موفق به کسب ۴۷ درصد از کرسی‌های پارلمان را تصاحب کند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز محمد مرسی پیروز انتخابات شد. بین حزب عدالت و آزادی از یک سو و سلفی‌ها از سوی دیگر رقابتی عجیب وجود دارد. سلفی‌ها معتقدند که حزب عدالت و آزادی ارزش‌های خود را تا حد بسیار زیادی پایین آورده است.

۳. حزب الوسط

حزب الوسط جدید که به اختصار به آن الوسط گفته می‌شود، حزبی سیاسی و با تمایلات اسلامی و میانه رو است. این گروه ابتدا در سال ۱۹۹۶ به صورت انشعاب از اخوان المسلمین توسط ابوماضی تأسیس شد و همین امر باعث شد او به عنوان شخصی با دیدگاه‌های سیاسی نازل متهم شود. این انشعاب باعث شد اخوان المسلمین ابوماضی را فردی بنامد که سعی در تکه تکه کردن جنبش دارد. مجوز رسمی این حزب نیز پس از انقلاب صادر شد و در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به عنوان یکی از مؤتلفان حزب عدالت و آزادی درآمد.

۴. حزب النور

سلفی‌های مصر، که در تشکیلات «انصار السنه المحمدیه» در دوران مبارک به فعالیت تبلیغی و امور خیریه با کمک سعودی مشغول بودند، با آغاز قیام جوانان «حرمت قیام» بر ضد «ولی امر» را اعلام کرده و خواستار پایان قیام و تظاهرات شدند. اما وقتی که مبارزه اوج گرفت و پیروزی بر رژیم مبارک نزدیک شد، ناگهان به میدان آمدند و همه چیزهایی که قبلاً «حرام» بود، «مجاز» شد و دوستان خود هم حزب تشکیل دادند و هم در انتخابات شرکت کردند که هر دو امر قبلاً حرام اعلام شده بود. حزب سلفی النور محصول این تفکر و بخش سیاسی انصار السنه المحمدیه است و به عنوان بازوی سیاسی جامعه سلفی‌ها نام برده می‌شود (شوشتری زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱).

احزاب لیبرال و سکولار

۱. جنبش جوانان ۶ آوریل

این جنبش یک حرکت فیس‌بوکی بوده که در بهار ۲۰۰۸ شکل گرفت. این مجموعه در ژانویه ۲۰۰۹ از عضویت حدود هفتاد هزار جوان بهره می‌برد. هسته اصلی خواسته‌های آنها،

حق اظهار نظر آزادانه، اجتناب از انتصاب افراد فامیلی و فعال سازی اقتصاد را کد تشکیل می‌داد. از منظر رسمی سیاسی آنها اصرار بر این نکته دارند که گروهشان مجموعه‌ای سیاسی نیست. اما همین گروه هسته مرکزی اعتراض علیه رژیم مصر را تشکیل می‌داد و توانست مخالفت‌ها را سازماندهی و ظرف مدت کوتاهی به سراسر کشور گسترش دهد.

۲. حزب وفد جدید

این حزب ادامه دهنده حزب وفد قدیم است که در سال ۱۹۱۹ توسط سعد زغلول تأسیس شد و رهبر آن نعمان جمعه و ارگان رسمی‌اش روزنامه وفد است و هدف خود را «دعوت به جامعه‌ای دموکراتیک، که در آن آزادی‌های اقتصادی و سیاسی تضمین شده باشد» معرفی کرد. حزب وفد در سال ۱۹۲۵ منحل و در سال ۱۹۷۶ با اعلام نظام چندحزبی توسط انور سادات، تجدید حیات یافت و از سال ۱۹۸۳ با نام حزب وفد جدید به رهبری فؤاد سراج‌الدین فعالیت خود را آغاز کرد و تقریباً همان خط مشی حزب وفد سابق، مهم‌ترین حزب تاریخ مصر، را دنبال می‌کند. ریاست آن هم اکنون بر عهده السید بداوی، مصری است. متعاقب انقلاب ۲۰۱۱ حزب وفد جدید به گروه متحدان دموکراتیک ملی برای مصر شامل اخوان المسلمین و حزب عدالت و آزادی مصر پیوست ولی با نزدیک شدن به مرحله انتخابات با ترک گروه متحد تلاش کرد به طور مستقل شرکت کند و موفق شد ۹/۲ درصد از نتایج آرا را از آن خود کند.

۳. حزب الدستور

توسط محمدالبرادعی و گروهی از روشنفکران و فعالان سیاسی هم فکرش تأسیس شد. این حزب اتحاد همه مصریان صرف نظر از کیش و ایدئولوژی را جهت تضمین دموکراسی در نظر دارد.

۴. حزب کرامت

حزبی چپ گرا و ناصریست است. در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد و رهبر فعلی آن حمدین صباحی است. روزنامه رسمی حزب، الکراره نام دارد که به جبهه دموکراتیک ملی برای مصر تمایل دارد.

۵. حزب دموکراتیک ملی

در سال ۱۹۷۸ توسط سادات تأسیس شد. رهبری آن بعدا به دست حسنی مبارک افتاد. اعضای آن بسیاری از مناصب حکومتی را در اختیار داشته‌اند. ارگان رسمی آن روزنامه مایو است. مواضع و سیاست‌های آن دفاع از دموکراسی، نظام چند حزبی، آزادی مطبوعات و توجه به حقوق بشر اعلام شده است.

۶. حزب تجمع میهنی پیشرو وحدت

رهبر آن خالد محی الدین و در سال ۱۹۷۶ تأسیس شده است. استراتژی و اهداف آن، حمایت از حقوق کارگران، حفظ و گسترش اصلاح اقتصادی و اجتماعی، عدالت اجتماعی، مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم با استفاده از ابزارهای مسالمت آمیز است. ارگان رسمی آن نشریه الاهلی و چهره‌های بانفوذش رفعت السعید و اسماعیل صبری عبدالله هستند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

۷. حزب عمل یا لیبرال

در سال ۱۹۷۸ توسط ابراهیم شکری تأسیس شد و استراتژی‌اش توسعه اقتصادی با محوریت دولت است. ارگان رسمی این حزب، سه هفته نامه الشعب است.

۸. جبهه نجات ملی مصر

جبهه نجات ملی که ائتلافی متشکل از لیبرال‌ها، احزاب چپ‌گرا و گروه‌های جوانان است، با کمک قدرت‌های غربی و برخی کشورهای مرتجع عربی برای متوقف کردن فعالیت دولت تازه تأسیس مرسی همه نوع تلاش انجام داد. رهبران جبهه نجات ملی که در عرصه انتخابات، بازی قدرت را به اخوان المسلمین باختند، به راه‌های غیر دموکراتیک برای ورود به قدرت متوسل شدند، در حالی که شعار اصلی‌شان دموکراسی است. ایجاد درگیری‌های قومی و خیابانی، اختلال در روند فعالیت دولت، ممانعت از برگزاری انتخابات پارلمانی جدید و همچنین اعمال فشار برای تغییر برخی از وزرای کابینه از مهم‌ترین تحرکات و اقدام‌های جبهه نجات ملی علیه دولت محمد مرسی است. بنابراین هدف مشترک مخالفان در جبهه نجات ملی، سرنگونی دولت محمد مرسی و تشکیل دولت جدید بود. آنها ادعا می‌کردند که اخوان المسلمین در صدد ایجاد دیکتاتوری حزبی در مصر است و رفتارها و انتصاب‌های محمد مرسی نیز گویای این موضوع است.

۹. جنبش تمرد

گروه دیگر که برای مخالفت با دولت مرسی در مصر بوجود آمده است؛ جنبش جدید التاسیس تمرد (شورش) به رهبری محمد بدر است که به گفته خودش پانزده میلیون امضا (عضو) جمع کرده است و از موضوعات مرتبط با بحران اقتصادی کنونی، کمبود فرآورده‌های نفتی، قطعی مکرر برق و افزایش قیمت کالاهای اساسی، برای گردآوردن مصری‌های خشمگین در روز سی ژوئن، استفاده کرد.

تاریخچه جریان‌های سیاسی مصر

مصر در اغلب زمینه‌های توسعه سیاسی، اجتماعی، فکری و دینی در جهان عرب و در سطحی وسیع‌تر در جهان اسلام پیش‌گام بوده است. بیش از دو دهه حاکمان این کشور دست به گریبان با نوعی احیای اسلامی بودند که دولت و نخبگان حاکم را به طور جدی به مبارزه می‌طلبید. تجربه احیای اسلامی معاصر (یا به بیان اسپوزیتو «بنیادگرایی اسلامی»)، تأثیر منطقه‌ای و بین‌المللی بر اسلام فراملیتی و بر غرب داشته است. اخوان المسلمین مصر الگویی ایدئولوژیکی و سازمانی مناسبی برای رشد و توسعه جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام به دست داده است. بخش اعظم شخصیت و سیاست مصر معاصر، تحت تأثیر انقلاب ۱۹۵۲ و سپس به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۱ بود. ناصر ناسیونالیسم ملی را بازتعریف کرد و سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی را در داخل و خارج توسعه داد. گرچه ناصر و انقلاب وی در ابتدا مورد حمایت اخوان المسلمین بودند، اما بعد از انقلاب وقتی مشخص شد که ناصر به دنبال تأسیس دولت اسلامی نیست بلکه درصدد توسعه ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم است، اخوان المسلمین به مخالفت با او برخاست. به علت تیره شدن روز به روز روابط دولت و اخوان المسلمین و حتی انتساب ترورهای شخصیت‌های دولتی به اخوان المسلمین، ناصر در سال ۱۹۶۲ به شکل قاطع درصدد قلع و قمع اخوان برآمد. سیدقطب ایدئولوگ اصلی و برخی دیگر را اعدام و هزاران نفر را دستگیر و زندانی کرد. در اواخر دوران ناصر، حکومت تشکیلات مذهبی را مهیار و مخالفان دینی خود را ساکت کرده بود. به علت تضعیف روحیه ملی مصر پس از مرگ ناصر و شکست اعراب در سال ۱۹۶۷، در آغاز دولت انور سادات، حکومت به شکل معناداری به اسلام بازگشت. سادات به میزان زیادی تعابیر و نمادهای اسلامی را به کار گرفت. جنگ اسرائیل و مصر را جهاد خواند و اخوان المسلمین را از زندان آزاد کرد و از ایجاد سازمان‌های دانشجویی در کمپ‌ها برای مقابله با نفوذ ناصریست‌ها و

چپ‌گرایان حمایت کرد. اخوان المسلمین اگرچه هنوز حزبی غیرقانونی بودند اما بازسازی خود را به سرعت آغاز کردند. در همین زمان گروه‌های اسلامی رادیکال و جوان‌تری ظاهر شدند که تحت نفوذ اخوان المسلمین پیشین بودند. آنها معتقد بودند حکومت ضد اسلامی است و تنها گزینه را نابودی حکومت با انقلاب مسلحانه می‌دانستند. گروه‌هایی چون «سازمان آزادی‌بخش اسلامی» (که شباب محمد نیز نامیده می‌شد)، «تکفیر و الهجره»، «جماعه الجهاد» و نجات از جهنم به چشم می‌خورد. شباب محمد، در آوریل ۱۹۷۴ با موفقیت آکادمی علوم نظامی قاهره را تسخیر کرد، البته قوای حکومتی این تلاش برای کودتا را که هدفش ترور انورسادات و اعلام جمهوری اسلامی بود، ناکام گذاشت. تکفیر و الهجره در جولای ۱۹۷۷، حسین الذهبی یکی از شیوخ الازهر و وزیر پیشین موقوفات دینی را که منتقد جدی افراطیون بود ربود و به قتل رساند.

اگر چه رهبران شباب محمد و تکفیر و الهجره اعدام شدند و دیگران نیز زندانی شدند اما بسیاری از مبارزان به فعالیت زیرزمینی پرداختند و در سایر گروه‌های رادیکال مانند جندالله و جماعه الجهاد که بعدها انورسادات را ترور کرد، عضو شدند. هرچند انورسادات خود را علاقه‌مند به کار با نیروهای اسلامی نشان می‌داد، اما اخوان المسلمین و مبارزان جماعت اسلامی به دیدار سادات از اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دیوید، حمایت از شاه ایران و محکومیت آیت الله خمینی و تصویب اصلاحات قانون خانواده اعتراض کردند و سیاست اقتصادی افتتاح یا سیاست درهای باز سادات را عامل وابستگی فزاینده مصر به غرب و توسعه و نفوذ فرهنگی غرب و کسب امتیازات اقتصادی نخبگان غرب زده می‌دانستند. سادات با اعلام تکنیک دین از سیاست، سخت‌گیری هر چه بیشتر با اخوان المسلمین، ممنوع کردن فعالیت گروه‌های دانشجویی و تلاش برای ملی کردن مساجد مصر، لقب فرعون جدید را از آن خود کرد.

محصول سرکوب فزاینده مخالفان، قتل انور سادت در سوم اکتبر ۱۹۸۱ به دست اعضای تنظیم الجهاد بود.

در دهه ۱۹۸۰ پس از قتل انور سادات، هم الگوی حکومت مبارک رئیس جمهور جدید مصر تغییر کرد و هم الگوی احیای اسلامی که شاهد ورود اسلام گرایان به جریان اصلی جامعه و نهادمندسازی کنش گرایی اسلامی بودیم. مبارک در ابتدا سیاست منعطفی را در قبال مخالفان اسلامی در پیش گرفت اما به تدریج برخورد خشن با مذهبیین را جایگزین آن کرد. حکومت مبارک از سر بی بصیرتی، دامنه منازعه را فراتر از مبارزان اسلامی (جماعت اسلامی، جهاد و سایر گروه‌های رادیکال) از طریق آزار و اذیت و زندانی کردن، به میان جنبش‌های اسلامی میانه‌رو مانند اخوان المسلمین گسترش داد (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۳۳۵).

آشکارترین نمود نهادمندسازی جنبش احیای اسلامی یا کنش‌گرایی اسلامی و تبدیل آن به جریان اصلی جامعه، ظهور اخوان المسلمین در مقام یک نیروی سیاسی در سیاست انتخاباتی بود. انور سادات نظام تک حزبی مصر را با نظام انتخاباتی چند حزبی عوض کرد. ولی قدرت طلبی فزاینده سال‌های آخر سادات موجب ایجاد اپوزیسیون اسلام‌گرا و سکولار شد که تظاهرات دموکراتیک سادات را در مقام امری بیشتر لفظی تا واقعی مورد انتقاد قرار می‌داد. در دوران مبارک، حکومت مصر همچنان «دولتی ریاستی» توأم با انتخابات ریاست جمهوری بود. مبارک در انتخاباتی که کاندیدای دیگری جز او نداشت با ۹۴ درصد آرا برنده شد. مجلس مردمی و بوروکراسی همچنان زیر سیطره حزب دموکراتیک ملی حکومت قرار داشتند و حکومت سلطه مطلق خود را بر تأسیس و تداوم فعالیت احزاب سیاسی اعمال می‌کرد. از این رو این امکان را پیدا کرد تا از به رسمیت شناختن قانونی اخوان المسلمین به عنوان حزبی سیاسی امتناع کند (همان، ص ۳۳۸). در دهه ۱۹۸۰ فعالان اسلامی میانه‌رو در مصر، رویکردی تدریجی گرایانه و از پایین به بالا نسبت به تحولات سیاسی را در پیش گرفتند و تمایل خود را برای مشارکت

سیاسی درون نظام سیاسی نشان دادند. جنبش‌های اسلامی در سیاست انتخاباتی شرکت کردند. فعالیت اخوان المسلمین در مقام یک حزب سیاسی در مصر ممنوع بود، اما با سایر احزاب سیاسی ائتلاف کرد و به صورت قدرتمندترین گروه سیاسی مخالف ظاهر شد. در دهه‌های اخیر اسلام‌گرایان مصری هم دامنه فعالیت سیاسی و هم تاکتیک و کاربرد زور را گسترش دادند. سازمان‌های رادیکال چون شباب محمد، تکفیر و الهجره، جماعه الجهاد و گروه اسلامی تلاش کردند تا حکومت و دموکراسی را یک جا طرد و رد کنند. رویکرد اخوان المسلمین در قبال دموکراسی در گذر این سال‌ها فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. در دهه‌های آغازین شکل‌گیری اخوان، رویکرد دوگانه اخوان به دموکراسی بخشی از این اعتقاد بود که جهان اسلام در میانه تهدید تمدنی جهانی جنگ سرمایه داری بر سکولاریسم، فردگرایی و ماتریالیسم تأکید داشت، و دوم رویکرد الحادی کمونیستی - سوسیالیستی شرق که از طریق نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی اعمال می‌شد. هر دو اینها که شامل نظامی برای مشارکت سیاسی هم می‌شد، از دید مسلمانان محکوم به شکست بودند و البته تهدید تلقی می‌شدند. اخوان المسلمین بر آن بود که اسلام‌گرایی بهترین و بومی‌ترین راه حل اسلامی برای شرق و غربی بود که هویت خود را از دست داده و شکست خورده بودند.

نگاه جریان‌ات اسلامی به اسلام

اخوان به عنوان بزرگ‌ترین نمانده اسلام‌گرایان مصر در سرمقاله نخستین شماره هفته‌نامه اش «الذیر» که در زمان حیات حسن البنا (موسس اخوان المسلمین) به عنوان ارگان سیاسی اخوان المسلمین فعالیت می‌کرد، به قلم حسن البنا نوشت: «اسلام آیین پرستش است و رهبری و دینداری و حکومت و معنویت و کار. نمازش با جهادش آمیخته و طاعتش با حکومت. قرآن و شمشیری است که جدایی نمی‌پذیرند.» این کلمات را می‌توان به عنوان

مهم‌ترین خط مشی اخوان المسلمین دانست. هرچندگاه وجه سیاسی این گروه پررنگ‌تر شده و گاه مشی مسلحانه، اما هیچ‌گاه این جمعیت از مواضع اولیه خود عدول صددرصدی نداشته است. هر قدر که درباره عملکرد و کلیات اندیشه اخوان می‌توان به راحتی سخن گفت، درباره جزئیات اندیشه‌ها و اهداف اخوان المسلمین به درستی و روشنی نمی‌توان سخن گفت. باید گفت بخش عمده سخنان، عقاید و آرمان‌های اخوان چنان کلی است که هیچ مسلمانی با آن‌ها مخالف نیست. از نظر اقتصادی، اخوان خواهان پیاده کردن اصولی است که از آن به عنوان «اقتصاد اسلامی» یاد می‌کند. این گروه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز، براساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی موضع‌گیری می‌کند و خواهان برچیده شدن فساد و بی‌بند و باری‌های اجتماعی همانند الکل، قمار، مواد مخدر، سالن‌های رقص و فحشاست. رویکرد تدریجی و میانه‌روانه اخوان به دنبال انقلاب نبود بلکه در پی فرایند اصلاحات اسلامی بود که در آن ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی اجتماعی، آموزشی و همچنین مطبوعات مطرح می‌شدند (همان، ص ۳۴۱). اما اخوان المسلمین دست‌کم از کنگره پنجم (۱۹۳۸) به بعد، پی‌افکندن حکومت اسلامی و اجرای دقیق و کامل احکام شریعت را از اهداف روشن و استوار خود اعلام کرده است.^۱ چنین امری در دنیای اسلام تجربه‌ای مهم است و با مخالفت جدی اسلام‌گرایان رادیکال روبه‌رو شده است. اسلام‌گرایان رادیکال تاکنون بارها میانه‌روها را به ترک جهاد و هم‌دستی با حکومت متهم کرده‌اند. به قول ایمن الظواهری: «اخوان در شمار کفار قرار گرفته است؛ زیرا پذیرش دموکراسی به معنای پذیرش حق قانون‌گذاری برای غیر خداوند است» (نبوی، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۸۶).

^۱ هر چند در چرخشی آشکار این گروه در نشست خبری رهبران ارشد خود دو روز پیش از سرنگونی حسنی مبارک، اعلام کرد: «اخوان با حکومت مذهبی مخالف است، چون آن را مغایر اسلام می‌داند و خواسته آن برپایی حکومت مدنی با مرجعیت اسلام است.»

حزب عدالت و آزادی شاخه سیاسی اخوان المسلمین مصر نیز اسلام منبع اصلی قانون‌گذاری کشور می‌داند و در کنار آن از برخی شیوه‌ها و راهکاری اجرایی شدن سیاست اسلامی هم سخن می‌گوید: اصل شورا و مشورت که از اسلام است، پایه و اساس دموکراسی و تنها راه تحقق منافع ملی می‌داند و درباره آزادی و عدالت معتقد است که حقوقی است که از خدا به انسان داده شده است، بنابراین هیچ قدرتی، چه فردی چه جمعی نمی‌تواند این حقوق را از شهروندان بگیرد و تمام شهروندان از این حقوق جدای از هر رنگ و نژاد و مذهب و آیینی برخوردار هستند. این حزب در اهداف خود از «تحقق اصلاح سیاسی و قانونی و حق آزادی عمومی و خصوصی، از جمله تشکیل احزاب و موسسات جامعه مدنی» نام می‌برد (پورتالب، ۱۳۹۱).

در آغاز انقلاب، احزاب سلفی و شخصیت‌های برجسته‌شان مانند عبدالمنعم شحات نیز از نخستین چهره‌های اجتماعی بودند که قصد خود را برای ورود به سیاست و تشکیل احزاب سیاسی اعلام کردند و این تغییر رویکرد ناگهانی از سکوت سلفی را با توسل به اصل شرعی «منفعت عمومی» توجیه نمودند. استدلال آنها این بود که دولت اسلامی دولتی آرمانی است اما در نبود چنین دولتی مشارکت در نظامی سکولار به منظور ممانعت از بازگشت دولتی سرکوب‌گر و فاسد ضروری است (شوشتری زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰). النور اصلی‌ترین حزب سلفی‌گرای مصر، با پذیرفتن مشارکت سیاسی خواهان دولتی غیر نظامی بود که همه مصریان در آن بدون تبعیض، «دور از تئوکراسی معین حاکمیت بر اساس اراده خدا» زندگی کنند. النور ضمن حمایت از تفکیک قوا و عدم مداخله سیاسی در نظام قضایی، خواهان تضمین فهرست بلندی از آزادی‌ها و حقوق، از جمله آزادی بیان، حق انتخاب رهبر و پاسخ خواستن از او و خدمات درمانی و تحصیلات رایگان بود. با این همه حزب به شکلی مبهم از وجود همه این حقوق در یک چهارچوب بنیادین شریعت سخن می‌گفت (همان، ص ۱۷۲).

نگاه جریان‌ات اسلامی به مدرنیته

گفته شد که احزابی چون اخوان، اسلام را به عنوان راه‌حل می‌دانند و در کنار آن استفاده ابزاری از گزاره‌های مدرن دوران سیاست را مجاز می‌شمارند. اما احزاب دیگری چون حزب الوسط دیدی معکوس دارند. بنیان‌گذار حزب الوسط معتقد است به شریعت باید به عنوان ابزاری نگاه شود که می‌تواند برای تسهیل مدرنیته مفید باشد. «شریعت خیل ساده مجموعه‌ای از اصول راهنماست که باید در معرض اجتهاد گذاشته شود، یعنی در معرض تفسیر آزاد قرار گیرد تا با دنیایی که در حال دگرگونی است منطبق گردد». حزب الوسط در مصر می‌خواهد با استناد به اصل اجتهاد همچنان مقام داوری را برای شریعت حفظ کند (نبوی، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۸۶). حتی می‌توان گفت سناریویی که حزب و دولت اخوان المسلمین و شعارش -اسلام راه حل است- را در جریان کودتا هدف قرار داد، با این هدف دست به حذف دولت مرسی به عنوان نماینده اخوان المسلمین از صحنه سیاست زد که عدم توانایی احزاب اسلام‌گرا در اداره امور جامعه را اثبات کند. یک عضو «جبهه نجات ملی» بلافاصله پس از پیروزی وی در انتخابات به یکی از رسانه‌ها گفته بود در هر حال تمام تلاش خود را خواهد کرد تا ثابت شود «اسلام راه حل نیست» (عشوری مقدم، ۱۳۹۲).

الف. مبانی مدرن

۱. سکولاریسم

اخوان المسلمین، با شعار «اسلام راه حل همه مسائل»، به یک نکته بنیادی باور داشته‌اند و آن، پذیرفته نبودن سکولاریسم و خصوصی سازی دین است که دین را به رابطه‌ای میان انسان و پروردگار فرو می‌کاهد. آنان به اسلام نه به عنوان یک دین، بلکه همچون نظامی کامل که برای همه زمینه‌های زندگی انسان برنامه دارد، می‌نگرند.

۲. دموکراسی

احزاب مصری چون حزب وفد، حزب ملی لیبرال، حزب کار، حزب دموکراتیک غربی ناصری، اخوان المسلمین و کمونیست‌ها در کنگره‌ای در ۸ و ۹ دسامبر ۱۹۹۷ که تعداد بسیاری از سیاستمداران، روشنفکران، اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان و محققان مراکز حقوق بشر و دیگر مراکز روشنفکری و تحقیقات سیاسی در آن مشارکت داشتند، برنامه دموکراتیک خود برای اصلاحات سیاسی و قانون اساسی را تنظیم و تدوین کردند و توافق بر سر موارد زیر حاصل شد: ۱. تأمین آزادی‌ها و حقوق اسای شهروندان، به ویژه آزادی عقاید مذهبی، ادبی و هنری، آزادی تحقیق علمی، آزادی تظاهرات و اعتراض مسالمت آمیز بدون وجود قید و شرط یا محدودیت‌ها. این آزادی‌ها باید در چارچوب قواعد اساسی جامعه و در محدوده‌های نظم و منش عمومی اعمال شود. همه شهروندان از حق آزادی شخصی و سلامت و امنیت در برابر صدمه جسمی برخوردار هستند. تمام قوانینی که این آزادی‌ها و حقوق را از بین می‌برد باید لغو شود. ۲. فراهم آوردن تضمین‌های لازم برای دعاوی قضایی و استقلال دادگاه‌ها و لغو انواع دادگاه‌های فوق العاده، از جمله دادگاه‌های امنیت دولتی، ممنوعیت محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی و محاکمه محکوم شدگان دادگاه‌های نظامی در یک دادگاه عادی. ۳. پایان دادن به اجرای اقدامات فوق العاده و اصلاح قانون اضطراری به نحوی که این قانون تنها در دوره جنگ و یا طی بلایا و فجایع واقعی و آن هم تنها برای دوره محدود به اجرا درآید و تنها حکومت نظامی باید بر طبق اقدامات اضطراری محدود شود و تلاش‌های گسترده‌ای برای پایان دادن به کشتارهای غیرقانونی یا بازداشت و شکنجه شهروندان صورت بگیرد. ۴. ضرورت اصلاح قانون اساسی پس از یک دوره انتقالی که طی آن آزادی‌های فوق الذکر بر اساس آن تضمین شود و بدین وسیله به یک قانون اساسی دموکراتیک تبدیل شود که منبع واقعی اقتدار را به ملت اعطا کند و قدرت اجرایی را در یک شورای وزیران متمرکز کند که در برابر یک

شورای پارلمانی منتخب واقعی و آزاد پاسخگو باشد. ۵. فراهم کردن تضمین‌های لازم برای انتخابات آزاد و راستین و اعاده حق شهروندان برای بیان خواسته‌های خود از طریق صندوق رأی و اراده تضمینات واقعی و تدوین یک قانون جدید برای اعمال حقوق سیاسی. ۶. اعطای آزادی انجمن‌های سیاسی، حرفه‌ای و مدنی در چارچوب قواعد اساسی جامعه و نظم و منش عمومی. ۷. آزاد ساختن ارگان‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی از کنترل و انحصار دولت از طریق اعطای آزادی در ایجاد ارگان‌های رسانه‌ای به مصری‌ها (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵-۲۴۵).

اما احزاب اسلام‌گرا دیدگاه انتقادی به دموکراسی دارند. انتقادات اخوان المسلمین به دموکراسی عمدتاً ناظر به دموکراسی غربی و به طور دقیق‌تر ایدئولوژی‌ها یا اشکال بیگانه حکومت بود. حسن البنا و رهبران اولیه اخوان المسلمین اصول حکومت نمایندگی و مشارکت سیاسی را پذیرفته بودند، ولی احزاب سیاسی یا حزب‌گرایی را با این اعتقاد که موجب تفرقه جامعه می‌شود و عاملی است در دست رهبران مصری برای گسترش نفوذ استبداد، رد می‌کردند. آنها معتقد بودند که «برای حکومت نمایندگی نیازی به احزاب نیست؛ دموکراسی تنها نیازمند تضمین آزادی بیان و مشارکت ملت در حکومت است. بدون حزب‌بازی، زندگی پارلمانی کاملاً منطبق با اسلام است» (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۳۳۹). جنبش اخوان به دنبال حاکمیت شریعت بوده و حتی دموکراسی را در چهارچوب شریعت می‌خواهد. این حزب به اصلاحات، دموکراسی و آزادی احزاب و مطبوعات معتقد است، با سیاست‌های استعماری غرب مخالفت کرده و کمک به براندازی سلاطین حامی غرب را وظیفه اصلی خود می‌داند. البته مواضع اخوان در باب دموکراسی از وضوح کامل برخوردار نیست. با آن‌که آنان بارها از دموکراسی غربی به شدت انتقاد کرده‌اند، اما مدعی بوده‌اند که بنیاد و آرمان دموکراسی را پذیرفته‌اند و آن را به بهترین و درست‌ترین شکل محقق می‌کنند. جنبش، در اسناد و بیانیه‌های گوناگون خود، باور خود به مدنی بودن ماهیت اقتدار سیاسی، پایبندی خود به اصول شرع

مقدس اسلام و احترام به ارزش‌های بنیادین و ابزارهای رسیدن به دموکراسی (مانند احترام به آزادی‌های همگانی، تکثرباوری، انتقال قدرت از راه انتخابات شفاف و سالم، حاکمیت رأی مردمان، تفکیک قوا، مردود بودن خشونت، بهره‌گیری از ابزارهای قانونی برای پیشبرد گام به گام اصلاحات، پذیرش اصل شهروندی به عنوان مبنای حقوق و مسئولیت‌های مسلمانان و غیرمسلمانان و پشتیبانی از حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و قبطیان) را یادآور شده است. رهبران اخوان از دهه ۱۹۹۰ بدین سو، بارها دموکراسی را بر پایه اسلام توجیه و تأکید کرده‌اند که «امت سرچشمه اقتدار سیاسی است». آنان حتی در انتخابات دست اتحاد به سوی سکولاریست‌ها ناسیونالیست‌ها و لیبرال‌ها دراز کردند. بدین سان با وجود اختلاف‌های درونی اخوان بر سر چند و چون دموکراسی در دستور کار سیاسی تازه آنان بر نیاز به رژیم دموکراتیک و «دولت مدنی» که ضامن حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی در درون مرزهای جهان اسلام باشد، انگشت گذاشته شده است. در بینش سیاسی کنونی اخوان سه اصل راهنما دیده می‌شود:

۱. لزوم همخوانی قوانین جاری با شریعت اسلام؛
۲. ضرورت پاگرفتن آزادی‌های مدنی و سیاسی با تأکید بر رفتار برابر با شهروندان؛
۳. برگزاری انتخاباتی درست و شفاف که ضمانت‌های موجود برای پاسخگویی برگزیده شدگان از سوی شهروندان را نهادینه سازد (دلیرپور، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲-۱۷۵).

در سال ۱۹۹۴ سازمان اخوان المسلمین درباره شورای اسلامی بیانیه‌ای منتشر کرد و طی آن محدودیت‌های موجود در ارتباط با دموکراسی را اعلام داشت و دموکراسی را در چارچوب شورا تبیین نمود. این بیانیه تأکید می‌کند که باید بسیاری از مسایل از طریق مجلس منشعب اتخاذ شود، ولی بسیاری از مسایل مهم توسط شریعت مشخص شده است و نمی‌توان آنها را به بحث عمومی گذاشت. آنها هم چنین معتقدند که درباره مسایل اجتماعی باید بحث‌های عمومی صورت گیرد، البته این کار باید با لحاظ مسأله تسامح و تساهل و کنار گذاشتن تندروی‌ها و در عین حال سیستم چندحزبی، آزادی و عدم

تحمیل عقاید مد نظر گرفته شود. این بیانیه تقریباً توسط افراد جوان اخوان المسلمین ارایه شد. البته در این بیانیه اشارات بسیاری به شریعت اسلامی شده بود. هم چنین در این بیانیه ما شاهد نوعی بازنگری در عقاید اعضای قدیمی اخوان المسلمین بودیم. این بیانیه در یک نگاه کلی سعی کرده است تمامی مسایل اجتماعی را به صورت کلان و جامع در نظر بگیرد و هم چنین به چالش‌هایی که سیستم فعلی مصر با آن مواجه است پاسخ دهد (بیورن اولو، ۱۳۸۰). احزاب دیگر چون حزب وسط نیز دیدگاهی که در برنامه‌هایشان نسبت به اسلام دارند، بر سه اصل استوار است: شناسایی حق شهروندی که نیازمند رسمیت یافتن حقوق برابر برای مسلمانان و غیر مسلمانان است، شناسایی حق همه شهروندان برای رسیدن به مناصب سیاسی؛ همزیستی با دیگر فرهنگ‌ها بر پایه احترام به ویژگی‌های فرهنگی، عدالت و برابری. حزب وسط بر پایبندی خود به دگرگونی‌های آرام و قانونی و اصول بنیادی دموکراسی (حق حاکمیت مردم، تفکیکی قوا، انتقال قدرت، شهروندی، آزادی عقیده، تکثرگرایی سیاسی و فکری، برابری کامل مردان و زنان، آزادی بیان، و احترام به حقوق بشر) تأکید کرده است. حزب وسط همچنین بر آن بوده است که با بهره‌گیری از ابزارهای دموکراتیک، اصول شریعت را از راه فرایندی گزینشی و نوگرایانه اجرا کند تا هدف‌های شرع مقدس اسلام در کنار توسعه و پیشرفت جامعه تحقق یابد. مرام‌نامه حزب الوسط سرشار از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، انتخابات آزاد و اصل اجتهاد است. مصطفی مشهور هم می‌گفت: «تنها بحث ما درباره دموکراسی این است که دموکراسی حاکمیت را در هر چیزی و هر امری به مردم می‌دهد. البته ما مخالف این نیستیم، بلکه معتقدیم این حاکمیت باید در چهارچوب تعریف شده شریعت باشد» (نبوی، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۸۶). اما احزاب و گروه‌های تندروی بیرون از چهارچوب اخوان المسلمین مانند الجهاد که هسته اصلی القاعده را در مصر را می‌سازند، پایبندی اخوان المسلمین به دموکراسی را کفر می‌شمارند و با الهام گرفتن از اندیشه‌های سید قطب، هر

حکومتی را که تنها بر شریعت استوار نباشد، مرتد می‌دانند؛ از دید آنان، دموکراسی تنها یک تاکتیک نادرست نیست، بلکه گناهی نابخشودنی است، زیرا حاکمیتی را که از آن خداست به انسان‌ها می‌بخشد. برای نمونه ابوالحمزه المصری، روحانی تندرو که سرپرستی مسجد معروف فینسبری پارک لندن را دارد گفته است: دموکراسی «یعنی خدا خواندن خود با صدای بلند و رسا، یعنی آن که گروهی از مردمان که نظر خود را به رأی تبدیل کرده‌اند، نظر و تصمیم خود را برتر از اراده خداوند قرار دهند.» ابومحمد المقدسی تز دموکراسی را شرک آشکار و آن گونه از کفر دانسته است که خداوند در قرآن کریم درباره آن هشدار داده است. درباره نگاه سایر احزاب مصر نیز وضعیت روشن است. احزاب لیبرال و سکولار بالطبع مشکلی با دموکراسی ندارند. اما پایبندی خود را به دموکراسی و لوازم آن چون انتخابات نشان نداده اند. کودتا علیه مرسی تناقض رفتار و گفتار این گروه‌ها را به خوبی نشان داد.

۳. آزادی

آزادی مطبوعات و آزادی بیان در دوران مبارک محدود بود. دولت مالکیت همه رسانه‌های تصویری و صوتی را در اختیار داشت. در سال ۱۹۹۵ دولت قانون مطبوعات جدید دیگری را وضع کرد که آزادی بیان را محدودتر می‌کرد. این قانون به دادگاه‌ها اجازه می‌داد روزنامه‌نگاران را پیش از تفهیم اتهام بازداشت کند. در خصوص آزادی‌های سیاسی «موسسه خانه آزادی» هر ساله آمارهایی را منتشر می‌کند که نشان دهنده میزان آزادی‌های سیاسی در کشورهاست. مصر در این مورد در زمان مبارک، آمار خوبی از خود بر جای نگذاشته بود. این آمارها نشان می‌دهد که میانگین آزادی مصر طی دو دهه گذشته ۵/۵ بوده که شاخص بسیار ضعیفی در زمینه آزادی‌های سیاسی محسوب می‌شود (مقدس و اکوانی، ۱۳۹۱، ص ۹۳-۱۱۸). با توجه به این مسائل و محدودیت‌ها بود که احزاب موضع خود را در برابر این محدودیت‌ها بیان می‌کردند. حزب وسط بر آزادی عقیده، آزادی بیان، و احترام به حقوق بشر تأکید داشت و

جنبش اخوان نیز ضرورت پاگرفتن آزادی‌های مدنی و سیاسی را با تأکید بر رفتار برابر با شهروندان، از اصول خود قرار داده است و همان طور که اشاره شد، اصول ۶ و ۷ برنامه دموکراتیک احزاب مصر برای اصلاحات سیاسی و قانون اساسی در سال ۱۹۹۷، اعطای آزادی انجمن‌های سیاسی، حرفه‌ای و مدنی در چارچوب قواعد اساسی جامعه و نظم و منش عمومی و آزاد ساختن ارگان‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی از کنترل و انحصار دولت از طریق اعطای آزادی در ایجاد ارگان‌های رسانه‌ای به مصری‌ها در دستور کار سیاست‌های مشترک احزاب مصر قرار گرفت (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵-۲۴۵).

۴. جامعه مدنی

سندیکاهای مصری - انجمن‌های داوطلبانه و دموکراتیک معلمان، وکلا، اطباء، روزنامه‌نگاران - یکی از ستون‌های جامعه مدنی مصر هستند. در طول دهه ۱۹۸۰ اسلام گرایان به صورت نیرویی عمده در سندیکاها ظاهر شدند. تبدیل شدن برنامه‌های سیاسی اجتماعی کنش‌گران اسلامی به جریان اصلی جامعه به معنای افزایش قابل توجه تعداد انجمن‌های صنفی با گرایش‌های اسلامی بود که افزایش قابل توجه تعداد فارغ‌التحصیلان جدید را نشان می‌داد. سندیکاهای صنفی، پیشرفته‌ترین بخش‌های زندگی عمومی در مصر هستند، از موقعیت بالایی برخوردارند. سندیکاهای وکلا در صف مقدم کمپین‌های مربوط به حقوق بشر و حاکمیت قانون قرار دارند. حضور و تأثیر آنها زمانی بیشتر احساس می‌شد که اسلام گرایان رهبری سندیکاهای پزشکان، مهندسان و سرانجام وکلا را تصاحب کردند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲). تصاحب اکثریت کرسی‌های هیأت مدیره در انتخابات انجمن وکلای مدافع در سپتامبر ۱۹۹۲ توسط اخوان المسلمین که مدت‌های مدیدی سنگر لیبرالیسم تلقی می‌شد، نشانه افزایش قدرت و نفوذ آنها بود. اخوان توانست از طریق بسیج گسترده حوزه‌ها پیروزی‌های انتخاباتی زیادی به دست آورد و در نتیجه کنترل سیاسی انجمن پزشکی

را در ۱۹۸۶ در اختیار گرفت. تا پایان دهه ۸۰ اخوان به پیروزی‌های مشابهی در انجمن‌های حرفه‌ای عمده (به استثنای انجمن روزنامه نگاران) رسید. این پیروزی‌های انجمنی اهمیت ویژه‌ای از لحاظ حضور برجسته و فزاینده آن در جامعه مدنی داشت. در سال ۱۹۹۲ اخوان اکثریت کرسی‌ها (۱۴ از ۲۵) را در شورای مدیریتی مشهور وکلای دادگستری به دست آورد. این پیروزی نشانه پایان روابط نزدیک حزب دموکراتیک ملی حاکم و انجمن وکلا بود که باعث نامشروع جلوه دادن قوانین دولتی و سایر سیاست‌های آن می‌شد. اخوان از اهرم انجمن‌های حرفه‌ای برای چالش مستقیم با سیاست‌های دولت استفاده می‌کرد. سلطه اخوان بر انجمن‌ها مکانیسم نیرومندی در اختیار آنها گذاشت تا انواع خدمات شبه رفاهی را برای طرفداران، اعضا و یا حامیان بالقوه اش فراهم سازد (کامپانا، ۱۳۷۷، ص ۴۶-۵۹).

در فوریه ۱۹۹۳ حکومت قوانین انتخاباتی را طوری تغییر داد که انجمن‌ها را تابع خود کند و اداره انجمن‌های صنفی را به منظور مقابله با نفوذ اخوان المسلمین در اختیار خود بگیرد، اما تسلط اخوان المسلمین بر سندیکاهای وکلا، اطبا و مهندسان همچنان برقرار ماند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲).

ب. ابزارها و شیوه‌های مدرن

۱. انتخابات

اخوان المسلمین فرایندهای انتخاباتی را درون سازمان‌های خود به کار می‌برند و در سیاست ملی مشارکت می‌کنند. مشارکت سیاسی و دموکراسی برای اخوان المسلمین در دورانی که حزبی قانونی شناخته نمی‌شد، حداقل وسیله‌ای بود برای نیل به هدف، مبارزه و حفظ و گسترش اسلام. مضافاً همچنان که اخوان المسلمین پس از ظهور مجددش در دهه ۱۹۷۰ به وضوح مشارکت را به جای انقلاب خشونت بار برگزید، دموکراسی را هم به صورت نقدی بر

حکومت و هم در مقام وسیله‌ای برای نیل به هدف یا به نفع مبارزه برای اسلام به کار برد. اخوان المسلمین در مواقعی که نظام سیاسی اجازه می‌داد در نظام و سیاست انتخاباتی مشارکت کرده بود: «پیشینه اخوان المسلمین نشان داد که می‌تواند بر اساس قواعد دموکراسی رفتار کند». مانند سال ۱۹۴۱ که حسن البنا تصمیم گرفت در انتخابات پارلمانی شرکت کنند هر چند نتوانستند در این مبارزه که توأم با تقلب‌های حکومت بود، کرسی‌ای را کسب کنند. در دوره حکومت‌های سادات و مبارک، اخوان المسلمین تلاش کردند تا به صورت حزبی سیاسی برای شرکت در نظام چند حزبی مصر به رسمیت شناخته شوند. اخوان المسلمین همراه با حزب وفد در انتخابات ۱۹۸۴ شرکت کرد و ائتلاف آنها از ۴۵۰ کرسی توانست ۶۵ کرسی را تصاحب کند و مبدل به بزرگ‌ترین گروه اپوزیسیون در پارلمان شد. در انتخابات ۱۹۸۷، اخوان المسلمین ائتلاف جدیدی موسوم به اتحاد اسلامی را با حزب کارگر و حزب لیبرال تشکیل داد. آنها با شعار «اسلام راه حل است» و با تقاضا برای اجرای قوانین اسلامی، توانستند ۱۷ درصد آرا را کسب کنند و به هیئت عمده‌ترین اپوزیسیون سیاسی حکومت مبارک ظاهر شوند. کاندیداهای اخوان ۳۸ کرسی از شصت کرسی اتحاد اسلامی را از آن خود کردند (همان، ص ۳۴۰).

در عین حال رژیم «حسنی مبارک» تلاش اخوان المسلمین را برای کسب موقعیت قانونی و تغییر در قوانین محدود کننده انتخاباتی را با دخالت مستقیم ناکام گذاشت. در نتیجه اخوان المسلمین با پیوستن به دیگر گروه‌های مخالف، انتخابات ۱۹۹۰ را تحریم کرد و این امر به آرزوهای آنها مبنی بر فعالیت درون سیستم سیاسی برای تبدیل آن به یک نظام سیاسی اسلامی پایان داد (دکمجیان، ۱۳۷۷، ص ۳۲۸). دولت مبارک در عین حال که در انتخابات پارلمانی اجازه حضور به این حزب را نداد و آن را غیرقانونی اعلام کرد، اما فعالیت اعضای آن را در انتخابات مجاز دانسته به طوری که در هر دوره از انتخابات تعدادی از نمایندگان این حزب وارد پارلمان مصری شوند. همین طور در انتخابات سندیکاهای کارگری و اصناف حضور

اعضای حزب مجاز دانسته می‌شد و در یک توافق نانوشته بین طرفین، اخوانی‌ها توانستند اکثریت اعضای سندیکاها را کسب کنند. در سال‌های حکومت مبارک، اخوان در هر دوره از انتخابات پارلمانی تعداد کرسی‌های بیشتری را کسب می‌کرد (کریم نیا، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۱۱۰). ایزار تحریم انتخابات، در دوران پس از انقلاب مصر نیز کماکان وجود داشت، اخوان که در نخستین انتخابات پارلمانی مصر پس از انقلاب توانست پیروزی چشمگیری به دست آورد، در گام بعدی با موفقیت، نماینده خود محمد مرسی را از شاخه سیاسی حزب اخوان (حزب عدالت و آزادی) به ریاست جمهوری رساند، اما پس از کودتای ارتش، ائتلاف ملی هوادار محمد مرسی به نشانه اعتراض و عدم به رسمیت شناختن و مشروع دانستن حکومت نظامی السیسی، همه‌پرسی قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد و اعلام کرد در انتخابات شوراهای محلی، مجلس، ریاست جمهوری و همه‌پرسی شرکت نمی‌کنند چون تمام اینها مولود کودتای غیرقانونی است. و اعلام کرد فقط در تشکل سندیکاهای حرفه‌ای و کارگری شرکت می‌کند (شبکه العالم، ۱۳۹۲/۱۲/۳) این امر نشان می‌دهد که اخوان سیاست خود را مبنی بر حفظ قدرت اجتماعی از طریق در اختیار گرفتن پایگاه‌های مدنی، حتی در شرایطی که از طرف حکومت السیسی، نهاد تروریست شناخته می‌شود، ادامه می‌دهد.

۲. رفراندوم

سیاست اخوان در امر انتخابات، مشابه سیاستش در رفراندوم و همه‌پرسی بود. اخوان در حالی که خود همه‌پرسی قانون اساسی را پس از برکناری مبارک برگزار کرده و نتیجه مطلوب خود را گرفته بود، اما پس از کودتا علیه مرسی، تمام این ابزارها (همه‌پرسی و انتخابات) را فاقد مشروعیت دانست چون در حکومت کودتا هیچ چیز قانونی نبود. به همین علت نه تنها گروه‌های طرفدار اخوان چون «ائتلاف حمایت از مشروعیت» و «جوانان ضد کودتا» همه‌پرسی قانون اساسی را تحریم کردند بلکه آن را قانون خون نامیدند و هدف از مبارزه را نه

بازگشت محمد مرسی به قدرت، بلکه شکستن کودتا دانستند. همچنین آنها اعلام کردند که در روزهای برگزاری همه‌پرسی، تظاهراتی را برگزار خواهد کرد (شبکه العالم، ۱۳۹۲/۹/۲۵). همین امر موجب شد تا در جریان مقابله پلیس مصر با معترضان به برگزاری همه‌پرسی درباره قانون اساسی، ۲۴۹ نفر به اتهام تلاش برای آشوب، هرج و مرج و اختلال در روند برگزاری همه‌پرسی در استان‌های مختلف این کشور دستگیر، ۱۱ نفر کشته و ۲۸ تن مجروح شوند که اکثراً از طرفداران اخوان المسلمین بودند (همان).

نتیجه‌گیری

اسلام‌گرایی در مصر مانند اغلب کشورهای اسلامی نه تنها عقب نشینی نکرده، بلکه عمیقاً و وسیعاً ریشه دوانده است، هر چند همچون سایر کشورهای خاورمیانه با خطر سلفی‌گرایی روبه روست. اهمیت و تأثیر زیاد اسلام‌گرایی را می‌توان در میزان مشروعیت عمومی آن نزد مردم مشاهده کرد و این که مبدل به بخشی از جریان اصلی جامعه و زندگی مسلمانان شده و دیگر گروهی منزوی و حاشیه‌ای محسوب نمی‌شود. اخوان المسلمین و سایر فعالان اسلامی توانستند خود را به عنوان گروه مسلط در میان سازمان‌های حرفه‌ای و سندیکاهای وکلا، اطباء، مهندسان و روزنامه‌نگاران مطرح کنند.

اما این نکته که اسلام‌گرایان از تعابیر و نمادهای اسلامی برای ارائه یک راه حل اسلامی و اجرای شریعت بهره می‌گیرند ولی دقیقاً نمی‌گویند که اینها در قالب سیاست‌های عینی به چه معناست، یک نقطه ضعف برای آنها محسوب می‌شود. دستاورد اصلی جنبش اسلامی و به ویژه اخوان المسلمین، جهان‌بینی ایدئولوژیکی مبتنی بر مذهب و نظام بر مبنای دین مشروعیت یافته است. اگر چه اخوان در طی سالیان متمادی که بیرون از دایره قدرت، از ابزار مبارزه برای تشکیل حکومت دینی استفاده می‌کرد، اما دوره کوتاه دولت مرسی نشان داد که

اخوان نه تنها راهکاری اسلامی برای ارائه حکومت دینی ندارد، بلکه در تلاطم درگیری‌های منطقه‌ای و زایش نیروهای تندروی سلفی، و همچنین فتنه‌ورزی کشورهای غربی و سکولارهای داخلی، گه‌گاه به دام هر دو گروه می‌افتد. شاید بتوان گفت: اخوان المسلمین نیز همچون سایر جریان‌های اسلام‌گرا در مقام حرف، اسلام را به عنوان راه حل می‌شناسد، گزاره‌های غربی و مدرن را نفی و بر راه‌کارهای اسلامی تأکید می‌ورزد، اما در مقام عمل، هنوز چاره‌ای جز دست انداختن به گردن این ابزارها ندارد، هر چند که آن را قبول ندارد.

فهرست منابع

الف. کتب

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
۲. توکلی، یعقوب (۱۳۸۸)، پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر، تهران: سوره مهر.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۴)، جمهوری عربی مصر، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۵. موسسه ابرار معاصر ایران (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی (ویژه مطالعات موردی)، ج ۲، موسسه ابرار معاصر معاصر ایران.

ب. مقالات

۶. احمدی، حمید (۱۳۷۷)، «برنامه مشترک احزاب سیاسی مخالف برای گسترش دموکراسی و جامعه مدنی در مصر»، مطالعات خاورمیانه، ش ۱۴ و ۱۵.
۷. بذرافکن، مجید (۱۳۹۱)، «سیر تحول و ارتقای جنبش‌های اسلامی معاصر در چهار نسل با تأکید بر مصر»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۹.
۸. توانا، محمدعلی (۱۳۸۵)، «اسلام و مدرنیته در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، پژوهش علوم سیاسی، ش ۳.
۹. دلیرپور، پرویز (۱۳۹۰)، «دورنمای اسلام سیاسی در مصر»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۸۵.
۱۰. عماره محمد (۱۳۸۰)، «حرکت‌های اسلامی معاصر»، نگاه حوزه، ش ۱۳.
۱۱. صفوی، سید سلمان، (۱۳۹۰)، «اندیشه انقلابی از سیدجمال تا آیت‌الله خامنه‌ای»، ماه‌نامه سیاسی - تحلیلی دیپلماتیک، ش ۵۴.
۱۲. کریم نیا، حمید (۱۳۸۸)، «موقعیت مصر در مواجهه با سنت و لیبرالیسم»، نشریه مطالعات آفریقا، ش ۱۹.
۱۳. کامیانا، ژوئل (۱۳۷۷)، «دولت، جامعه مدنی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه (بررسی تجربه مصر)»، ترجمه حمید احمدی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۲۷ و ۱۲۸.
۱۴. نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۸۴)، «اسلام سیاسی در مصر: گذار به حداقل‌گرایی سیاسی»، مطالعات خاورمیانه، ش ۴۱.
۱۵. _____ (۱۳۸۸)، «گزارش نقش جوانان در خیزش نوین مرم مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، سال یازدهم، ش ۴۴.
۱۶. نصر حامد، ابوزید (بی‌تا)، مدرن کردن اسلام یا اسلامی کردن مدرنیته، ترجمه: روح اله فرج زاده.
۱۷. ملایی، اعظم (۱۳۹۱)، «تصویب پیش نویس قانون اساسی و ساختار سیاسی مصر»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

ج. منابع اینترنتی

18. <http://fa.alalam.ir/news/1446687>
19. <http://nasr-hamed-abuzayd.blogfa.com/>
20. <http://qarzavi.blogfa.com>
21. <http://www.presstv.ir/detail/fa/240113.html>